

## Aspect in Pashto Language

Miakhil, Ismatullah<sup>1</sup> 

Dabir-Moghaddam, Mohammad<sup>2</sup> 

PhD Student of Linguistics, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran, Iran  
Professor of Linguistics, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

The Pashto language is classified as a (subject-object-verb) or (SOV) language, and it is one of the post-position languages. This language is lexical-based in independent, coordinating, and dependent clauses (subject-object-verb). Pashto is spoken in Afghanistan and Pakistan and even in India. It is the official and national language of Afghanistan. Most people of Afghanistan speaks Pashto. The aim of the present research is to present an analysis of the Aspect system in Pashto language. The method adopted in this article is based on Smith's (1997) bipartite theory. In this regard, a wide body of simple and compound verbs will be analyzed to analyze the types of situational Aspect in Pashto language. The main questions of research are how the Aspect is represented in Pashto language and what are its characteristics. The results of research show that there are five types of situational expressions in this dialect which both indicate external events and are dependent to syntactic calculations. Pashto language has perfective and non-perfective aspect in past and present tenses. Aspect which is called "arx" in Pashto, is internal time of Verb and Show perfective and non-perfectives of an action. In Pashto language the aspect is shown with affixes and accent transfer of syllables.

**Keywords:** situation aspect, view point aspect, perfective aspect, non-perfective aspect, Pashto language.

---

1. miakhilismatullah30@gmail.com

2. mdabirmoghaddam@gmail.com



**How to cite:** Miakhil, I., & Dabir-Moghaddam, M. (2022). Aspect in Pashto Language. Language and Linguistics, 18(36), 269-293. doi: 10.30465/lsi.2023.45200.167710:02

## زبان و زبان‌شناسی

دوره ۱۸، شماره ۳۶، پاییز و زمستان، سال ۱۴۰۱، ۲۶۹-۲۹۳

DOI: 10.30465/LSI.2023.45200.1677

## نمود در زبان پشتو

میاخیل، عصمت الله  دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
 دبیرمقدم، محمد  استاد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده: زبان پشتو از لحاظ رده‌شناسی از زبان‌های (فاعل - مفعول - فعل) یا (SOV) است و از جمله زبان‌های پس‌اضافه‌ای به شمار می‌رود. این زبان در بندهای مستقل، همپایه و وابسته ترتیب واژگانی (فاعل - مفعول - فعل) دارد. زبان پشتو در کشورهای افغانستان، پاکستان و حتی در هندوستان صحبت می‌شود و زبان رسمی و ملی گویشوران افغانستان است. هدف پژوهش حاضر، ارائه تحلیلی از نظام نمود در زبان پشتو است. روش اتخاذ شده در این مقاله مبتنی بر نظریهٔ دوبخشی اسمیت<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) است. در این راستا برای واکاوی انواع نمودهای موقعیتی در زبان پشتو بیکرهٔ وسیعی از افعال ساده و مرکب بررسی خواهد شد. پرسش‌های اصلی پژوهش به دنبال این هستند که نمود در زبان پشتو چگونه بازنمایی می‌شود و چه ویژگی‌های دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پنج گونه از نمودهای موقعیتی در این زبان وجود دارند که هم نشانگر رخدادهای بیرونی و هم تابع محاسبات نحوی هستند. زبان پشتو در زمان‌های حال و گذشته نمود تام و ناقص دارد. نمود، که در زبان پشتو «arx» گفته می‌شود زمان درونی فعل است و مطلق بودن یا استمرار فعل را نشان می‌دهد. نمود در زبان پشتو با وندهایی که پس از فعل می‌آید، همچنین با تغییر جایگاه تکیه بازنمایی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نمود موقعیتی، نمود دیدگاهی، نمود ناقص، نمود تام، زبان پشتو.

## ۱ مقدمه

زبان پشتو یکی از زبان‌های مهمی از گروه زبان‌های ایرانی و در کنار زبان دری؛ زبان رسمی کشور افغانستان است (شینواری، ۱۳۹۷: ۵). پشتو زبانی با تصریف قوی است. اسم‌ها در این زبان، به حالت‌های مختلف صرف می‌شوند؛ به بیان دیگر، در زبان پشتو اسم‌ها به لحاظ جنسیت به اسم‌های مذکر و مونث صرف می‌شوند. به لحاظ دستوری، حالت‌های فاعلی، مفعولی دارد و فعل هم در این زبان صرف می‌شود. بنابراین زبان پشتو یک زبان تصریفی به حساب می‌آید.

نمود در زبان پشتو شامل چهار گروه (نمود ناقص در زمان حال، نمود تام در زمان حال، نمود ناقص در زمان گذشته، نمود تام در زمان گذشته) است (تگی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۱۰۴). زبان پشتو، زبانی محافظه کار است. این بدان معناست که این زبان قدمت و ویژگی منحصر به فرد خود را تا کنون، تاحدی، حفظ نموده و تغییرات زیادی را نپذیرفته است؛ برای مثال، موضوع جنسیت و مطابقت فعل با فاعل و مفعول از لحاظ جنس، مطابقت عدد با معدود، مطابقت صفت و موصوف، همچنان مطابقت قید با فاعل و مفعول از ویژگی‌های مهم است. ویژگی دیگر این است که در زبان پشتو، واج‌های پایانی واژه‌ها، نوع و دسته‌بندی کلمات را مشخص می‌سازد، مثلاً مذکر است یا مونث (خویشکی، ۱۳۹۵: ۵).

اسمیت (۱۹۹۷) نمود را به «دیدگاهی» و «موقعیتی» تقسیم نموده است. نظریه اسمیت را «نظریه دویخشی» نیز می‌نامند، زیرا میان نمود موقعیتی و نمود دیدگاهی، تفاوت بنیادی قائل است. نمود موقعیتی محصول ویژگی‌های ذاتی فعل و اقسام اصلی آن (سطح بنیادی فعل) است و نمود دیدگاهی به تفسیر ذهنی فرد از رخداد اشاره دارد. در نمود دیدگاهی (دستوری)، مفسر یا برای نقطه خاص از رخداد تمرکز می‌کند که در نتیجه بخش‌های دیگر را نادیده می‌گیرد، یا اینکه کل رخداد را بازنمایی می‌کند. در نوشته حاضر نمود موقعیتی، مطابق اسمیت (۱۹۹۷) به پنج بخش تقسیم‌بندی شده است و بر اساس ویژگی‌های سه‌گانه (پویایی، تداوم و اتمام پذیری) توضیح داده شده است. پنج بخش نمود

---

### 1. H. Tegey

حبیب‌الله «تگی» از نویسندگان مسائل زبان‌شناسی زبان پشتو است و یک دست‌ورجامع زبان پشتو را هم نوشته است که زبان اثر انگلیسی است.

موقعیتی عبارت اند از: «نمود فعالیتی»، «نمود تحقیقی»، «نمود تک‌وقوعی<sup>۱</sup>»، «نمود دستاوردی» و «نمود ایستا». در مورد این انواع و ویژگی آن در بخش تحلیل داده‌ها توضیحات ارائه شده است. زبان‌های زیادی در افغانستان وجود دارند؛ اما در این مقاله کوشیده‌ایم تا مقوله «نمود» را فقط در زبان پشتو مورد بررسی قرار دهیم تا به یک تقسیم‌بندی دقیق از نمود در این زبان برسیم. در نگاهتته حاضر، از مثال‌های طبیعی زبان و نیز مثال‌های ساخته‌شده با توجه به هدف پژوهش استفاده شده است.

### ۱-۱ پیشینه پژوهش

در سه قرن اخیر، پژوهشگران اروپایی به پژوهش و یادگیری زبان پشتو توجه بیشتری نموده‌اند. در بریتانیا، روسیه، فرانسه، آلمان و کشورهای دیگر، زبان‌شناسان، زبان پشتو را یاد گرفته و تحت واکاوی قرار داده‌اند (شینواری، ۱۳۹۳: ۳۱). پیشرفت زبان‌شناسی در اروپا و آشنایی آن‌ها با زبان‌های هندوآریایی، باعث این شد که پژوهش‌ها و تحقیقاتی در مورد زبان پشتو آغاز شود (رشتین زیور، ۱۳۹۵: ۱۰). عده‌ای از زبان‌شناسان خارجی زبان پشتو را به شکل دلچسپ و دلنشین برای خارجی‌ها تشریح نموده‌اند (پنزل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۳۶-۳۵). دانشمندان اروپایی، روسی و حتی در آمریکایی هم به واکاوی زبان پشتو پرداخته‌اند. غربی‌ها برای اهداف خودشان این زبان را یاد گرفتند و همین باعث شد که پشتو، موردتوجه زبان‌شناسان غربی قرار گیرد و مقالات و آثار علمی بسیاری در مورد زبان پشتو و دستور این زبان بنویسند. از بین زبان‌شناسان خارجی، پنزل (۱۳۸۹) به اختصار، به این مسئله پرداخته است. ویندفور<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در کتاب خود با عنوان «زبان‌های ایرانی»، درباره زبان پشتو به تفصیل پرداخته است. این زبان‌شناس بنابر تگی (۱۹۹۶) به مقوله‌های «نمود»، «زمان» و «وجه» در زبان پشتو پرداخته و در کل بخش‌های «نحو»، «صرف» و «واج‌شناسی» را در زبان پشتو کاویده است. تگی (۱۹۹۶) «دستور جامع زبان پشتو» را نگاهت که بخش «نمود» زبان پشتو را هم مورد بررسی قرار داده است. رشتین<sup>۴</sup> (۱۳۷۲) در دستور پشتو (pašto grāmar) با استفاده از مثال‌های مختلف، موضوع نمود را بررسی کرده است. در این

1. semelfactive
2. Herbert penzal

شرق‌شناسی که درباره زبان پشتو به نام پشتوگرامر یک دستور نوشته است.

3. G. windfuhr

۴. صدیق‌الله رشتین یکی از دستورنویسان مشهور زبان پشتو بود که یکی از آثارش «پشتوگرامر» است.

بررسی، مثال‌های مختلف در قالب جملات مرتبط با زمان‌ها آورده شده‌اند؛ اما این مثال‌ها در بخش جداگانه‌ای تحت عنوان «نمود» قرار نگرفته‌اند زیار (۱۳۸۴) در اثر خود با نام «پشتوپشویه» به صورت مختصر به موضوع «نمود» پرداخته است. وی نوع‌های «مطلق و استمراری» را برای نمود در زبان پشتو برشمرده و هریک را به طور خلاصه توضیح داده است. پژوهش‌های صورت‌یافته در آثار دستوری و زبان‌شناختی زبان پشتو، درمورد مقوله «نمود در زبان پشتو» بسیارکلی است و به تعریف این ساخت و بیان مثال‌هایی از آن محدود می‌شود و تقسیم‌بندی ساختاری آن به دست داده نشده‌اند. به صورت کلی در این زبان به مقوله «نمود» اشاره‌هایی شده است اما به زعم نگارندگان تاکنون پژوهش گسترده‌ای درباره این مقوله و تقسیم‌بندی آن انجام نشده است.

## ۲-۱ چارچوب نظری

در این نگاشته «نمود» بر اساس اسمیت (۱۹۹۷) توضیح داده شده است. آقای ویسی حصار (۱۳۹۶)، «نمود» را در زبان کردی بر اساس همین چارچوب کار نمود است و از مقاله ایشان هم برای مبنای نظری و دسته‌بندی استفاده شده است. سعی نمودیم که مشخصات اصلی پنج الگوی موقعیتی را با توجه به رویکرد اسمیت با نمونه‌ها نشان دهیم:

الف. نمود فعالیتی با ویژگی‌های (+پویایی، +تداومی، -اتمام پذیری)

ب. نمود تحقیقی با ویژگی‌های (+پویایی، +تداومی، -اتمام پذیری)

ج. نمود تک‌وقوعی با ویژگی‌های (+پویایی، -تداومی، -اتمام پذیری)

د. نمود دستاوردی با ویژگی‌های (+پویا، -تداومی، +اتمام پذیری)

هـ. نمود ایستا با ویژگی‌های (-پویا، +تداومی، -اتمام پذیری)

## ۳-۱ روش

در قسمت اول مقاله، اطلاعاتی درباره زبان پشتو ارائه شد. در ادامه، مفهوم «نمود» با استفاده از مثال‌هایی از زبان پشتو توضیح داده شده است. سپس، دسته‌بندی مفهوم «نمود» بر اساس تقسیم‌بندی ارائه شده توسط اسمیت (۱۹۹۷) ارائه شده است. ویژگی‌های افعال نیز بر اساس پویایی، تداوم و اتمام‌پذیری مشخص شده است. برای این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و روش میدانی استفاده شده و پرسشنامه‌های مربوطه نیز بررسی شده است. در بخش نظم و نثر زبان پشتو، متون و جملات این زبان مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌های مختلفی از آن‌ها استخراج شده است. همچنین، اثرات زبان‌شناختی نیز مورد استفاده قرار گرفته است و بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده، نمونه‌گیری انجام شده است. در نهایت،

منابع مختلفی در زمینه زبان پشتو مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌های مورد استفاده در این پژوهش، از منابع متفاوتی برداشته شده‌اند. لازم به ذکر است که، منابع مثال‌های استفاده شده در این پژوهش، به جز مثال‌های خودساخته نگارندگان، بعد از آن‌ها ذکر شده‌اند.

## ۲ نمود در زبان پشتو

«نمود» در کنار «زمان» و «وجه» از جمله مقوله‌های مهم دستوری فعل محسوب می‌شود. به لحاظ صوری نمود را می‌توان با امکانات دستوری مختلف بیان کرد؛ از وندها گرفته تا دوگان‌سازی و استفاده از افعال معین و گاهی ترکیبی از این چند مورد (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۳۵۶). در زبان پشتو وند و افعال معین، نمود دستوری را نشان می‌دهند. اصطلاح نمود ترجمه قرضی از زبان‌های اسلاوی (vid در روسی) است. «vid» از نظر ریشه‌شناختی با واژه‌های view و vision هم‌ریشه است. در حالی که نمود یا aspect از spect- ریشه می‌گیرد که به معنای دیدن است (سلیمانی و حقین، ۱۳۹۵: ۲۴۹). نمود (Aspect) یک ویژگی صوری زبانی است که از زبانی به زبان دیگر متفاوت است؛ به طوری که در یک زبان ممکن است، نمودهای زیادی وجود داشته‌باشد اما در زبانی دیگر هیچ‌کدام وجود نداشته‌باشد. «نمود دستوری با عنصر تصریفی در فعل نمایان می‌شود.» (ابوالحسنی چیمه، ۱۳۹۰: ۱۰۴). برخی از زبان‌ها، نمود را به طور صوری نشان‌گذاری نمی‌کنند و ممکن است با استفاده از قید، افعال زنجیره‌ای یا دیگر ابزارها آن را نشان دهند.

نمود از ویژگی‌های ساختاری و معناشناختی فعل است که بیانگر چگونگی انجام فعل، از نظر نوع به انجام رسیدن است. یعنی با آغاز، پایان، تداوم، تکرار و در حال انجام بودن آن مرتبط است (همان: ۲۴۹). تمایز مشخص میان زمان و نمود دستوری وجود دارد که قصد نداریم فعلاً به آن بپردازیم. کامری (۱۹۷۶) تمایز مشخصی میان زمان دستوری و نمود ایجاد می‌کند. در واقع می‌توان گفت تفاوت میان زمان داخل موقعیت (نمود) و زمان خارج از موقعیت (زمان دستوری) کاملاً قابل درک است.

نمود فعل در یک معنا به لحظه شروع، پایان یا تداوم رویداد فعلی اشاره می‌کند و در معنایی دیگر، به کامل بودن روند کار یا در جریان بودن آن به معنای ناقص بودن آن اشاره می‌کند (میرزائی، ۱۳۹۳: ۵۸). تقسیم‌بندی مشهور و جامع‌تر «نمود» میان زبان‌ها عبارت است از: «نمود تام» و «نمود ناقص». این دسته‌بندی را کامری (۱۹۷۶) انجام داده‌است.

منظور از نمود تام، کامل شدن عملی است که توسط فعل بیان می‌شود و منظور از نمود ناقص، استمرار عمل فعل بدون مشخص کردن مرزهای پایانی آن است.

کامری (۱۹۷۶) نمود را یک مفهوم گوینده‌بنیاد می‌داند و در تعریف آن می‌گوید: «نمود راه‌های مختلف نگرستن به ساختار زمانی درونی یک موقعیت است.» زمان دستوری و نمود هر دو به زمان اشاره می‌کند اما زمان این عمل را به صورت اشاری و برون‌موقعیت انجام می‌دهد؛ حال آنکه نمود یک نوع زمان غیراشاری و درون‌موقعیتی را نشان می‌دهد. این بدان معنی است که: نمود بر روند انجام فعل دلالت دارد. به عبارت دیگر، اطلاعاتی مربوط به کامل شدن، استمرار، تداوم فعل و نظایر این‌ها بر عهده نمود است.

کامری (۱۹۷۶) در کتاب خود با عنوان «نمود» (Aspect) به این اشاره دارد که مقوله نمود ناشناخته‌تر از دیگر مقوله‌های فعلی همچون زمان و وجه است (ضیاء و عشقوی، ۱۳۹۱: ۲۷). کامری به این نکته نیز می‌پردازد که در زبان‌هایی که زمان دستوری در عبارت‌های فعلی بازنمایی می‌شود، نمود نیز یکی از مقوله‌های فعل است که معنای زمان را کامل می‌کند.

گویشور یک زبان باید قادر به کاربرد درست نمود باشد. برای یک زبان‌آموز لازم است که به کاربرد نمود توجه بسیاری داشته باشد، وگرنه زبان‌آموزی او دچار مشکل می‌شود. نمود با زمان ارتباط تنگاتنگی دارد و کارکرد و نقش نمود در عبارت‌های فعلی، موازی و همسو با زمان و کامل‌کننده معنا و مفهوم زمان است. نمود، روشن می‌کند که یک رخداد، حالت، فرایند یا عملی که به وسیله فعل انجام می‌شود کامل شده است. بسیاری از زبان‌ها وجود دارند که زمان ندارند، اما زبان‌هایی که نمود ندارند، بسیار اندک هستند. به تازگی این مسأله مطرح شده است که نمود از لحاظ تکوینی، پایه‌تر از زمان است و در کودکانی که زبان مادری آن‌ها هم زمان و هم نمود را دارا است، مهارت نمود زودتر و مقدم‌تر بر زمان فراگرفته می‌شود.

دسته‌بندی‌های مقوله «نمود» با هم خیلی تفاوت ندارد و همه آن‌ها ناظر بر ساختار درونی زمان در یک موقعیت است. بر اساس تقسیم‌بندی (نمود دستوری و نمود واژگانی)؛ نمود دستوری به توصیف عمل می‌پردازد و تعیین می‌کند که آن عمل یا حالت در جریان است یا کامل شده است (ضیاء و عشقوی، ۱۳۹۱: ۲۹). برای نمونه:

$\partial$ hay.1	kočnyân	pâl- $\partial$ l	(استمرار)
آن(ش ۳)	کودکان	نشانه مطابقه و نمود-پرورش	«او(ش ۳) کودکان را پرورش می‌داد.»
$\partial$ hay.2	kočnyân	w $\partial$ -pâl- $\partial$ l	(تام)
اون(ش ۳)	کودکان	نشانه مطابقه -پرورش-مطلق	«او(ش ۳) کودکان را پرورش داد.»

تفاوت این دو جمله در نمود دستوری است، نه در خود رخداد. زمان و نمود جدایی‌ناپذیر از یکدیگرند، همانطور که در عبارت‌های فعلی مطرح می‌شوند. فعل مرکزی‌ترین هسته جمله است و زمانی که بار معنایی افعال در قالب جمله ریخته می‌شود، تغییری اساسی رخ می‌دهد.

در باب زمان و نمود، اصطلاحات «افعال لحظه‌ای» و «افعال تداومی» بسیار اهمیت دارند؛ چون اشاره به نوع نمود دارند. افعال لحظه‌ای افعالی هستند که حالات یا اعمال لحظه‌ای را می‌رساند، یعنی اعمالی که امتداد و جریان آن کوتاه است، چنان که تقریباً نادیده گرفته می‌شود، ولی انتهایشان مشخص است (سلیمانی و حق‌بین، ۱۳۹۵: ۲۵۷). برای نمونه در زبان پشتو (zɾɔ daredɔl) یعنی (ایست قلب) و (ɣwɔrdzedɔl) یعنی (افتادن) و افعال مانند آن در زمره افعال لحظه‌ای قرار می‌گیرند. افعال تداومی افعالی هستند که اعمال یا حالات بیان شده توسط آن‌ها با تداوم همراه است و ابتدا و انتهایش مدنظر نیست و نادیده گرفته می‌شوند (همان). برای نمونه افعالی مانند (widɔ kedɔl) یعنی (خوابیدن) و (Iwastɔl) یعنی (خواندن) و افعال مانند آن، جزو افعال تداومی هستند.

مثال‌های «a۳» و «b۳» را نگاه کنید که افعال لحظه‌ای و تداومی را نشان می‌دهند:

3a. lere	kɾa	če	nor	.čâwdez- $\partial$ m
	دور	کُن	که	دیگر
				وند متکلم-ترکیدن

«دور کُن که دیگر می‌ترکم.»

3b. lagya	y $\partial$ m	ketâb	.Iwal $\partial$ m
	مشغول	هستم	کتاب
			می‌خوانم

«دارم کتاب می‌خوانم.»



در جمله «a۳» نمود معلوم است؛ زیرا فعل لحظه‌ای است که معنی آن «نزدیک است که بترکم» است. عمل ترکیدن رُخ نداده است. تنها از این ساخت برای «درشرف وقوع بودن» استفاده شده است. اما فعل در جمله «b۳» دارای نمود جمله ناقص است، فعل آن تداومی است. این افعال را در زمان گذشته هم می‌توانیم استفاده کنیم. (ستاک گذشته فعل + پسوندهای فعلی).

در زبان پشتو نمود تام از لحاظ ساختار و شکل، مشتمل بر سه نوع است:

۱) (و) تکمیلی یا مطلق را بعد از افعال ناقص به صورت پیشوند می‌آوریم و نمود کامل می‌سازیم؛ مثلاً: (wə-pera) یعنی (بخر)، (wə-perəm) یعنی (بخرم)، (wə-tsera) یعنی (تحقیق کن)، (wə-tserəm) یعنی (تحقیق کنم).

۲) با تبدیل تکیه؛ بدین معنی که اگر فعل ناقص دارای پیشوند باشد یا مشتق باشد، در این صورت برای تام یا کامل ساختن نمود تکیه ستاک فعلی انتقال می‌شود به پیشوند یا بخش اولی همان فعل و نمود کامل ساخته می‌شود. مثلاً (pre-mindza) یعنی (بشور) (مفرد مخاطب) - (pre-mindzə) یعنی (بشورم) (متکلم مفرد). تکیه بر pre کامل و مطلق بودن و تکیه بر mindz ناقص و تام بودن را نشان می‌دهد.

۳) با استفاده از ستاک‌های گوناگون که بیشتر به افعال لازم مربوط است؛ مثلاً: (wə-rom) یعنی (می‌برم) و (yawsəm) یعنی (ببرم)، (dzəm) یعنی (می‌روم) و (wlār šəm) یعنی (بروم)، (tləm) یعنی (می‌رفتم) و (wlārəm) یعنی (رفتم).

همانطور که در مثال‌های بالا مشاهده کردیم، در زبان پشتو، نمود کامل به این سه روش ساخته می‌شود، همین‌طور می‌توانیم با اضافه کردن (و) مطلقیت به بعضی از افعال نمود تام و کامل به آن‌ها دهیم. همچنین با کم کردن (و) مطلقیت نمود ناقص یا ناکامل را ایجاد کنیم. مثلاً: (xwəra) یعنی (امر بر استمرار نان خوردن) ناکامل که نمود کامل آن (wə-xwəra) (بخور) یعنی (امر بر مطلق بودن خوردن) می‌شود. (wə-lika) یعنی (بنویس) نمود کامل است که نمود ناکامل آن (lika) یعنی (امر بر استمرار نوشتن) می‌شود.

اسمیت (۱۹۹۷) «نمود موقعیتی» را با پنج دسته ویژگی دسته بندی کرده است. نظریه اسمیت در حقیقت نظریه دویخشی نیز نامیده شود، زیرا میان نمود موقعیتی و نمود دیدگاهی، تفاوت بنیادی قایل است (ویسی حصار، ۱۹۹۶: ۱۳۸). در نمود دیدگاهی (دستوری) مفسر یا بر نقطه‌ای خاص از رخداد تمرکز می‌کند و در نتیجه بخش‌های دیگر را نادیده می‌گیرد یا اینکه کل رخداد را بازنمایی می‌کند.

به تعبیر اسمیت (۱۹۹۷: ۶۱) نمود دیدگاهی مانند لنز دوربین عمل می‌کند که بر بخشی

از عمل تمرکز می‌نماید و بقیه را نادیده می‌گیرد یا اینکه کل موقعیت را برجسته می‌سازد (همان). نمود دیدگاهی یا بخش از یک موقعیت را پدیدار می‌سازد (نمود ناقص) یا کل موقعیت را به عنوان یک کل ظاهر می‌سازد (نمود کامل). هر نمود موقعیتی می‌تواند به صورت کامل یا ناقص بازنمایی شود. برای نمونه فعل (joṛawθl) یعنی «ساختن» که دارای نمود موقعیتی تحقیقی است. در جمله «۴» نمود دیدگاهی (دستوری) کامل و در جمله «۵» و «۶» نمود ناقص دارد:

atsək.۴	ter kal	owandzayş	joṛ	kəṛ
اچک	سال گذشته	مدرسه	ساختن	کرد
«اچک سال گذشته مدرسه را ساخت.»				
atsək.۵	ter kal	owandzayş	joṛâ-wə	
اچک	سال گذشته	مدرسه	می ساخت	
«اچک سال گذشته مدرسه را می‌ساخت.»				

یا هم می‌توانیم بگوئیم که:

atsək.۶	ter kal	owandzişdə	pə joṛâwəlo	axta wo
اچک	سال گذشته	مدرسه	به ساختن	بود مشغول
«اچک، سال گذشته، مشغول ساختن مدرسه بود.»				

در نمود تام، زمان آغازین و پایانی رُخداد بازنمایی شده است؛ اما در نمود ناکامل و ناقص، بخشی از رخداد بدون توجه به نقطه پایانی آن بیان می‌شود.

### ۳ نمود در زبان پشتو بر اساس اسمیت (۱۹۹۷)

پژوهش حاضر بر روی پیکره بزرگ زبان پشتو انجام شده و موارد لازمه را انتخاب نمودم تا که برای توضیح بیشتر نمود در زبان پشتو ارائه دهیم. افعال مورد نظر را در پنج دسته «فعالیتی»، «دستاوردی»، «تحقیقی»، «لحظه‌ای» و «ایستا» قرار می‌دهیم.

### ۳-۱ نمود فعالیتی<sup>۱</sup>

این رویدادها حاوی ویژگی‌های (+پویایی، +تداومی، -اتمام پذیری) هستند؛ یعنی پویا و متداوم هستند، اما غایتی ندارند (ویسی حصار، ۱۳۹۶: ۱۳۹). هر رخداد فعالیتی را می‌توان متوقف کرد، اما آن را نمی‌توان تمام کرد؛ زیرا پایان مشخص ندارد. فهرست افعال زیر دارای نمود فعالیتی هستند:

۷. معنی	فعل	معنی	فعل
دویدن	ɣəledəldz	رقص کردن	natsedəl
غزل گفتن	ɣazal wayəl	خندیدن	xandəl
گدایی کردن	swāl kawəl	اختلاط کردن	maraca kawəl
گریه کردن	aɾəlz	پیاده رفتن	pəlay tɪl
		شنا کردن	lambəl

همه افعال فوق‌الذکر ویژگی‌های [+تداومی، +پویایی، -اتمام پذیر] را دارند؛ یعنی این افعال دارای ویژگی‌های «تداوم» و «پویایی» هستند، ولی «اتمام پذیر» نیستند و نمی‌توان آن‌ها را تمام کرد؛ بلکه می‌توانیم آن‌ها را متوقف کنیم. در جمله «۸» می‌بینیم که به سادگی، قید تداومی ساده (قید زمانی نامقید) هم ظاهر شده است:

haya.8	nima wradz	pəlay	.wə- gərdzed
اون (ش ۳)	نصف روز	پیاده	راه رفتن - مطلق

«اون نصف روز پیاده راه رفت/قدم زد».

این جمله‌ها ماهیتی پویایی دارند، لذا به راحتی با قیدهایی ارادی می‌آیند:

haləkâno.9	lə qasda	.wə-xandəl
بچه‌ها	قصداً	خندیدن-مطلق

«بچه‌ها قصداً خندیدند».

maraca wə- kɾa  
 کردن مطلق اختلاط

«اختلاط کن».

در جمله بالا به دلیل پویایی رخداد، در ساخت‌های امری هم ظاهر می‌شوند. معلوم است که فعل (wây-i) (ریشه فعل + وند ش ۳) ظاهر شوند.

haya.10                      nâtuna                      .wây-i  
 او (ش ۳)                      نعت‌ها                      ش ۳- خواندن

«او نعت‌ها می‌خواند».

جمله «۱۱» طبیعی نیست، برای این که ماهیت تداومی دارد، اما با قیده‌های زمانی مقید، غیر طبیعی به نظر می‌رسند.

haya.11      pə yaw      saʔat      Ke swâl      .wə-kəɾ  
 او (ش ۳)      در      یک      ساعت      پس اضافه      گدایی      مطلق      کرد-  
 «او در یک ساعت گدایی کرد».

در جمله «۱۲» می‌بینیم که اگر قید لحظه‌ای (sahâr atə baje) بیاید، فقط به لحظه شروع رخداد اشاره دارد:

hayoy.12                      sahâr                      atə baje                      naʔtuna                      .wayəI  
 آن‌ها (ش ۳)                      صبح                      ساعت هشت                      نعت‌ها                      می‌خواندند  
 «آن‌ها صبح ساعت هشت نعت‌ها خواندند».

حالا به جمله «۱۳» اگر توجه کنیم به تفاوت آن با جمله «۱۲» متوجه می‌شویم:

haya.13                      dwayəma                      ɣazal                      .wə-wayəIa  
 او (ش ۳)                      دومین                      غزل                      خواندن- مطلق  
 «او (ش ۳) غزل دومین را خواند».

جمله «۱۳» با جمله «۱۲» این تفاوت را دارد که در جمله «۱۲» که فعل آن «wayθl» است، فعل پایان مشخص ندارد (اتمام ناپذیر است) اما جمله «۱۳»، فعل آن «wθ-wayθla» است، فعل پایان مشخص دارد؛ یعنی مربوط به یک آواز مشخص است، پس (اتمام‌پذیر) است. رخدادهای فعالیتی تداومی و پویا و غیر اتمام‌پذیر هستند. به این معنی که یک غزل خوانده شده بود و دومی را هم خواند. پس اتمام عمل آن آشکار است. wθ آدات مطلقیت یا کامل بودن نمود برای یک فعل است. این افعال با قیده‌های زمانی و مکانی ناسازگارند و در صورت ترکیب شدن با آن‌ها ماهیت نمودی‌شان تغییر می‌کند (ویس حصاری، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

### ۳-۲ نمود تحقیقی<sup>۱</sup>

این افعال دارای ویژگی‌های [پویا، +تداومی، +اتمام‌پذیر] هستند. در حقیقت پویا و متداوم هستند و به سمت نقطه پایان در جریان هستند، چون نقطه پایان دارند. افعال زیر، از نوع رخدادهای تحقیقی هستند و دارای ویژگی‌های [پویا، +تداومی، +اتمام‌پذیر] هستند:

۱۴. معنی فارسی	فعل پشتو	معنی فارسی	فعل پشتو
کج کردن	kazawθl	جدا کردن	Jalā kawθl
چاپ کردن	čāp kawθl	مقایسه کردن	partala kawθl
پوست کندن/کردن	potθkay wistθl	ساختن	joṛawθl
پیدا/خلق کردن	paidā kawθl	فرستادن	lezθl

این افعال با قیده‌های تداومی ساده (زمانی نامقید) غیرطبیعی به نظر می‌رسند. برای نمونه جمله «۱۵» را نگاه کنید:

muz.15	dθ	yaw	sāʔat	lθpāra	kor	joṛ	kθṛ
ما	اضافه	یک	ساعت	برای	خانه	ساختن	کرد/گذشته

«ما برای یک ساعت خانه را ساختیم.»

علت غیر طبیعی بودن جمله «۱۵» این است که بین فعل مقید و قید نامقید نوعی تنش معنائشناختی ایجاد می‌شود. اگر جمله «۱۵» را درست فرض کنیم، آنگاه به این معنی خواهیم داشت که «ما در یک ساعت پیوسته خانه‌های متعددی می‌ساختیم». البته ترکیب این قیده‌های نامقید با افعال فعالیتی بسیار طبیعی‌تر به نظر می‌رسد. مثلاً:

muž.16	təɾ	yawə	sâʔat	kâr	.wəʔkəɾ
ما	تا	یک	ساعت	کار	کردیم

«ما تا یک ساعت کار کردیم.»

نمونه‌های زیر هم مثال‌هایی است برای نمود تحقیقی و افعال دارای رخدادهای تحقیقی:

muž.17	pə	yaw	sâʔat	ke	kor	joɾ	.kəɾ
ما	در	یک	ساعت	پ.اضافه	خانه	ساختن	کرد/گذشته

«ما در یک ساعت خانه را ساختیم.»

day.18	də	kor	pəɾ	lore	.wlâɾ
اون	اضافه	خانه	اضافه	سمت	رفت

«او به سمت خانه رفت.»

در این جملات نمود تام استفاده شده است و عمل، تمام شده است. در زبان پشتو فعل kəɾ و آدات wə برای زمان گذشته می‌آید. این نوع افعال در جملات امری نیز می‌آیند:

joɾ.19	ye	!kɾ - a			
ساختن	ضمیر ۳	امر-کردن			

«بسازش!»

pə.20	karâr	ye	lə	psə	əxats	potəʔkay
اضافه	آرام	ضمیر ۳	اضافه	گوسفند	اضافه	پوست

-wə	.Wist				
مطلق	کندن				

«آهسته پوست را از گوسفند کشید(آهسته گوسفند را پوست کرد).»

این رخدادها با پسوند استمراری (la/a) هم می‌آیند. نمونه زیر را نگاه کنید:

maqâla.21 ye .čâpwə-la

مقاله ضمیر(ش ۳) چاپ می‌کرد

«مقاله را چاپ می‌کرد.»

با افعال (pail kawəI) یا شروع کردن) و (pây ta rasawəI یا تمام کردن) شروع و پایان عمل و کار را نشان داده می‌شود.

muz.22 də kor joraw-əI pail kɾəI .pâytawərasaəI/

به پایان رساندن شروع کردن ساختن خانه اضافه ما

«ما ساخت خانه را شروع کردیم/به پایان رساندیم.»

در جمله «۱۵» که قبلاً ذکر آن آمد(mu) قبلاً ذکر آن آشروع کردیم/به پایان ر) یعنی(ما) برای یک ساعت خانه را ساختیم)، اگر قید زمانی yaw sâ قید را فقط به عنوان قیدی نامقید، که به تداوم زمانی بدون غایت اشاره می‌کند، در نظر بگیریم، این جمله غیر دستوری است. اما این جمله را اگر اینگونه تفسیر و تعبیر نماییم که «ما خانه را ساختیم که تا بعد از ساختن فقط برای یک ساعت در آن زندگی کنیم» جمله دستوری خواهد بود.

mâ.23 lə haye sara mə partala !kawa

من گن مقایسه ادات نهی پس اضافه با او(خانم) من

«مرا با اون مقایسه نکن.»

Zyar.24 pə dars ke malâləy aw wɾâŋa

زیار/فاعل زیار/فعل پیش اضافه درس اضافه ملالی و ورنگه

partala .kawə-le

مقایسه می-کردن

«زیار، در درس ملالی و ورنگه را با هم مقایسه می‌کرد.»(نمود ناقص)

zyar.25 pə dars ke malâləy aw wɾâŋa

زیار/فاعل زیار/فعل پیش اضافه درس اضافه ملالی و ورنگه

partala .kɾ-e

مقایسه کرد/گذشته

«زیار، در درس ملالی و ورنگه را با هم مقایسه کرد.»(نمود تام و کامل)

### ۳-۳ نمود تک‌وقوعی<sup>۱</sup>

نمود تک‌وقوعی حاوی رخداد یکتا و منفرد بدون نتیجه است و جزو رخدادهای لحظه‌ای است. ویژگی‌ها این فعل [+پویایی، -تداومی، -اتمام پذیر] است (ویسی حصار، ۱۳۹۶: ۱۳۹). آن‌ها با قیده‌های استمراری ناسازگارند و بیشتر با نمود دیدگاهی ناقص ظاهر نمی‌شود. مثلاً: (عطسه کردن: prənje dəl) و (آروغ زدن: argay kawəl). افعال زیر دارای نمود تک‌وقوعی است:

معنی فارسی	فعل پشتو	معنی فارسی	فعل پشتو
درب زدن	war dabawəl	آروغ زدن	argay kawəl
سرفه کردن	uxedəlṭ	چشمک زدن	stərga wahəl
عطسه کردن	prənjedəl	حرکت چشم	stərga rapawəl

افعال این گروه پویا، لحظه‌ای و بدون نتیجه و غایت هستند (همان: ۱۶۹). برای شفافیت بیشتر در قالب مثال‌هایی موضوع را بسط می‌دهیم. جمله «۲۷» نادرستی و غیر طبیعی است، چون ماهیت لحظه‌ای و ناگهانی دارد و با قیده‌های تداومی ساده (زمانی نامقید) ترکیب نمی‌شود. ماهیت این افعال با نمود استمراری ناسازگار است و در صورت ترکیب نمود فعل تغییر می‌کند:

argay	daqiqe	dwa	hayə*27	.wə-kəṛ
آروغ	دقیقه	دو	او (ضمیر-ش ۳)	کرد/زد- مطلق
«*او برای دو دقیقه آروغ زد.» (تغییر در نمود)				
stərga	stərga	stərga	atsək.28	.wə- wahəla
چشمک	چشمک	چشمک	اچک	زد
«اچک چشمک زد.»				
stərga	stərga	stərga	atsək .29	.wahəla
چشمک	چشمک	چشمک	اچک	می‌زد
«اچک چشمک می‌زد (مکرر و دوامدار).»				



این افعال با قیده‌های زمانی مقید هم ناسازگارند و در صورت ترکیب نمود فعل تغییر می‌کند.

haya.30 pθ yawθ sâfat ke -wθ .tuxedθ  
 سرفه کردن مطلق پس اضافه ساعت یک در اون  
 «او در یک ساعت سرفه کرد». (تغییر در نمود)

این افعال پویا هستند و می‌توانند با ساخت‌های امری بیایند.

stθrga.31 wθ- waha  
 چشم زدن - مطلق  
 «چشمک بز».

همچنان این افعال بیشتر با قیده‌های ارادی ترکیب می‌شوند. جمله «۳۲» را نگاه کنید:

tâ lθ qasda.32 argay wθ- kθr  
 عمداً/قصداً از تو کردن - مطلق آروغ  
 «تو عمداً آروغ کردی».

hayθ (pθ.۳۳) toxalo pail wθ- kθr  
 او پیش اضافه او سرفه شروع مطلق شروع  
 «او شروع به سرفه کردن نمود».

در جمله «۳۳» می‌بینیم که با فراتکواژ (pθ اتکواژ) سرفه کرد (یا شروع به سرفه کردن) آمده است اما این ترکیب باعث تغییر در ماهیت نمودی آن‌ها می‌شوند.

hayθ.۳۴ toxal bas krθl  
 او سرفه کافی/تمام کرد  
 «او سرفه کردن را تمام کرد».

این افعال با صورت‌های تداعی کننده مفهوم کامل شدن ناسازگارند. مانند جمله «۳۴». البته این جمله را در زبان پشتو به راحتی استفاده می‌کنند ولی جمله (ha له لی این جمله را) یا (او سرفه را تمام کرد یا سرفه‌ش ایستاد و تمام شد) اینطور نیست، زیرا شخص که نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ بلکه خوب شده یا آرام شده است که سرفه‌اش متوقف شده است.

به‌طور خلاصه، افعال با حالت نحوی پویا، با قیدهای زمانی نامقید و نمود استمراری (نمود ناقص) ناسازگار هستند (ویسی‌حصار، ۱۳۹۶: ۱۵۱) و تنها می‌تواند با قیدهای لحظه‌ای بیاید. برای مثال (pə yaw sâfat ke, pə yawa daqıqa ke) یعنی (در یک ساعت، در یک دقیقه).

### ۳-۴ نمود دستاوردی<sup>۱</sup>

ویژگی رخدادها با نمود دستاوردی عبارت است از: [+پویا، -تداومی، +اتمام پذیر]. نقطه‌های آغازین و پایانی نمایانگر لحظات قبل از رخداد و بعد از رخداد دستاوردی هستند. در رخداد دستاوردی نوعی تغییر اتفاق می‌افتد و به همین دلیل مراحل قبل و بعد از رخداد با هم یکسان نیستند. این افعال پویا هستند و نقطه پایان دارند اما جزو افعال لحظه‌ای هستند (ویسی‌حصار، ۱۳۹۶: ۱۳۹). افعال مانند (یافتن و پیدا کردن paidâ kawəli) یا (یافتن و پیدا کردن mundəli) و (رسیدن rasedəli) جزو این گروه هستند. در زیر افعال مربوط به رخدادهای دستاوردی فهرست شده اند:

معنی فارسی	فعال پشتو	معنی فارسی	فعال پشتو
رسیدن	rasedəli	باختن	bâiləli
مردن	məŕ kedəli	دیدن	lidəli
بردن	gaŕəli	داخل رفتن	nənwətəli
		پژمرده شدن	mŕaway kedəli

این افعال در ترکیب با قیدهای لحظه‌ای و مقید ترکیب شده و کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. جملات زیر نمایانگر این دلیل است:

1. achievement

muʒ.36            pə    dwa bajo                            ra-wəʔased-u  
 جمع-ش ۱-رسیدن-ضمیرش ۱    ساعت دو    پیش اضافه    ما  
 «ما ساعت دو رسیدیم.»

جمله زیر نشان می‌دهد که این افعال با قیدهای زمانی نامقید *dwa daqiqo ke* یعنی «در دو دقیقه» ناسازگارند:

gwə1\*37            pə    dwa daqiqo            Ke    mɾəway            o.ʃ  
 شد                            پژمرده            پس اضافه    دو دقیقه    پیش اضافه    گل  
 «\*گل در دو دقیقه پژمرده شد.»

جمله «۳۸» هم طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا در ترکیب با قیدهای لحظه‌ای و مقید آمده‌اند و طبیعی به نظر می‌رسد:

zmarək.38            pə    dwa daqiqo            ke    .wə- rased  
 رسید-مطلق            پس اضافه    دو دقیقه    پیش اضافه    زمرک(فاعل)  
 «زمرک در دو دقیقه رسید.»  
 zmarək.39            pəʔr    dwa bajo            rā    .wə- rased  
 رسید-مطلق            ضمیر سمتی    ساعت دو    پیش اضافه    زمرک(فاعل)  
 «زمرک در ساعت دو رسید.»

این افعال وقتی با پسوند استمراری ترکیب می‌شوند، تنها مرحله آغازین رخداد بازنمایی می‌شود. نمونه آن جمله «۴۰» است:

muʒ.0۴            gatə1-a            gaʔa/            ke            .Wu  
 بودیم            پس اضافه    بردن    می- بردن    ما/فاعل  
 «ما داشتیم می‌بردیم/ در حال بردن بودیم.»

بر اساس جملهٔ «۴۱» می‌توانیم بگوییم که این افعال بیشتر با فعل‌های که معنای تمام کردن و کامل کردن را تداعی کند، ناسازگارند:

duy.1۴	gatθl	Pâi - ta	.wθ- rasawθl
این‌ها/فاعل	بردن	پس اضافه- پایان	رسیدن - مطلق

«این‌ها بردن را به پایان رساندند.»

البته همان‌طور که در جملهٔ «۴۲» می‌بینید، نوع کنایی و متعدی این افعال می‌توانند با قیدهای ارادی و اختیاری بیایند:

hayuy.2۴	pθ zora	lθ qasda/	.wθ- bâilθl-a
آن‌ها/فاعل	به زور/عمداً	قصداً	وند-باختن - مطلق

«آن‌ها عمداً/قصداً باختند.»

نکتهٔ اساسی در افعال با نمود دستاوردی این است که این افعال به خاطر لحظه‌ای بودن از افعال تحقق‌ی منفک می‌شوند و همچنین به دلیل اتمام پذیری از افعال تک‌وقوعی جدا می‌شوند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که این افعال بیشتر نحوی پویا دارند و با پیشوند استمراری و فعل شروع کردن به اول رخداد اشاره می‌کنند. این رخدادها با قیدهای زمانی نامقید ناسازگارند یا دچار تغییر نمودی می‌شوند؛ اما با قیدهای زمانی لحظه‌ای و مقید به راحتی ترکیب می‌شوند (ویسی حصار، ۱۳۹۶: ۱۵۲). مورد دیگر این است که این افعال به خاطر لحظه‌ای بودن از افعال تحقق‌ی منفک می‌شوند و همچنین به دلیل اتمام پذیری از افعال تک‌وقوعی جدا می‌شوند.

### ۳-۵ نمود ایستا<sup>۱</sup>

ویژگی‌های نمود ایستا [-پویا، +تداومی، -اتمام پذیری] است. فهرست زیر نمایانگر افعال ایستا است:

---

1. stative verb

۴۳. معنی فارسی	فعل پشتو	معنی فارسی	فعل پشتو
خسته (بودن)	stəɾay	دوست داشتن	miana larθl
سرد (بودن)	soɾ	فهمیدن	pohedθl
پژمرده	mɾâway	عاشق (بودن)	mayθn
وجود (داشتن)	mawjud	صاحب (بودن)	tsəʂtəθn

همه این افعال ایستا هستند و ویژگی پویایی ندارند. به همین دلیل در ساخت‌های امری نمی‌آیند (همان: ۱۵۳). مثلاً:

loy*۴۴	ša, pə	kimia	ândz	Poh	kɾa
بزرگ	پس اضافه، باش	کیمیا	خودت	فهمیدن	گن

«\*بزرگ باش، خودت را بر کیمیا بفهمان.»

افعال ایستا با قیدهای زمانی نامقید و لحظه‌ای ترکیب می‌شوند. مثلاً:

hayuy.۴۵	pə	pindzə	baje	widə	.wu
آنها	پنج پیش -	بجه / ساعت	خواب	بودند	
	اضافه				«انها ساعت پنج خواب بودند.»
hayə.۴۶	dre kâla	lə	daye	njəly	sara
اون (مرد)	سه سال	با/پیش اضافه	این	دختر	پس اضافه
mina	.larθl-a				
محبت / عشق	وند - داشتن				«اون (مرد) به مدت سه سال این دختر را دوست داشت.»

این افعال با قیدهای ارادی و اختیاری (عمداً، قصداً...) ترکیب نمی‌شود. برای مثال:

*.ədz47	qasdan	də	dayə	kor	tsəʂtəθn	.yəθm
من	عمداً	اضافه	این	خانه	صاحب	هستم

«\*من عمداً صاحب این خانه هستم/می‌باشم.»

این افعال وقتی با فرا تکواژهای (pail kawθI یعنی شروع کردن) و (pâita rasawθI یعنی به پایان رساندن) می آیند، دچار تغییر حالت می شوند. مثلاً:

hayθ.8۴	pθ	stomântia	pail	.wθ-kθr
اون	پیش اضافه	خستگی	شروع	کرد- مطلق

«او به خسته شدن / خستگی شروع کرد.» (تغییر نمود)

همچنان جملات زیر را نگاه کنید که جمله «او بزرگ بود.» رخداد تغییر حالتی را به وجود می آورد. جمله «او کیمیا را می داند» ترکیب یک رخداد ایستای عادتی را تولید می کند:

haya.9۴	Loyed-θ	→	haya	.loy wo
او	بزرگ می شد		اون	بود بزرگ
	«او بزرگ می شد.»			«او بزرگ بود.»

haya.0۵	pθ kimia	.pohiz - i
او	پیش اضافه کیمیا	وند-ستاک حال فهمیدن

«او کیمیا را می داند/ با کیمیا آشنا است.»

در حقیقت بیشتر افعال با نموده‌های موقعیتی متفاوت در زمان حال معنای عادتی بودن را تداعی می کند و به همین دلیل جزو افعال ایستا قرار می گیرد.

dzθ.1۵	hara	wradz	lobe	.kaw-θm
من	هر	روز	بازی	وندش ۱-کردن

«من هر روز بازی می کنم.»

همچنان جملات کلی که در هر زمانی صادق هستند نیز جزو ایستاهای اشتقاقی هستند. (همان: ۱۵۵)

mostatil.25	tsalor	/gotuna	konjuna	Lar-i
مستطیل	چهار	گوشه	گوشه /	وند- داشتن

«مستطیل چهار گوشه دارد.»

همچنان فراتکواژهایی مانند (مانند فرات عادت داشتن) هر نمودی را تبدیل به نمود ایستا می‌کند.

day.35	ʔadat	lari	che	argai	.wəʔkʁi
اون (بچه)	عادت	دارد	که	آروغ	کند

«اون عادت دارد که آروغ کند.»

#### ۴ نتیجه‌گیری

زبان پشتو یکی از زبان‌های تصریفی است که در آن اسم‌ها، فعل‌ها و حتی صفات هم تصریف می‌شوند. نحوه تصریف کردن اسم‌ها در زبان پشتو بسیار مشابه با زبان‌های دیگری است که تصریف دارند. به علاوه، این زبان دارای جنس مذکر، مونث است که در تصریف کردن اسم‌ها و صفات واضح می‌شود. در مورد فعل‌ها، زبان پشتو نیز دارای چندین زمان (حال، گذشته، آینده) است. نمود در زبان پشتو مشتمل بر چهار دسته (نمود ناقص در زمان حال، نمود تام در زمان حال، نمود ناقص در زمان گذشته، نمود تام در زمان گذشته) است. همچنین، همانند بسیاری از زبان‌های دیگر، در زبان پشتو نیز فعل‌ها براساس فاعل و مفعول تغییر می‌کنند. به طور کلی، زبان پشتو به دلیل تنوع و غنای خود، برای خودش یک جایگاه مهم در شرق میانه و آسیای مرکزی دارد.

تمرکز نمود تام بر پایان و حدود مرز فعل است و ارتباط تنگاتنگ با زمان گذشته دارد. این نمود در زبان پشتو هم به شکل «تکواژ صفر» می‌آید و با اضافه شدن ادات (wə) به فعل. تمرکز نمود ناکامل بر چیزی غیر از پایان و حد و مرز است. این نوع نمود با اضافه شدن علامات (la, le, ə, ɔl, əm, e, u, ləy)، که در اصل پسوندهای تصریفی‌اند، به ستاک فعلی زمان گذشته ایجاد می‌شوند.

نمود بر اساس اسمیت (۱۹۹۷) بر موقعیتی و دیدگاهی دسته‌بندی شده است. نمود موقعیتی محصول ویژگی‌های ذاتی فعل و اقرار اصلی (آن سطح بنیادی فعل) است و نمود

دیدگاهی به تفسیر ذهنی فرد از رخداد اشاره دارد. نمود موقعیتی بنابر ویژگی‌های «پویایی»، «تداومی» و «اتمام‌پذیری» به پنج دسته تقسیم می‌شود. ویژگی نمود موقعیتی فعالیتی (+پویایی، +تداومی، -اتمام‌پذیری)، ویژگی نمود موقعیتی تحقق‌ی [+پویا، +تداومی، +اتمام‌پذیری]، ویژگی نمود موقعیتی تک‌وقوعی [+پویا، -تداومی، -اتمام‌پذیری]، ویژگی نمود دستاوردی [+پویا، -تداومی، +اتمام‌پذیری] و ویژگی نمود ایستا [-پویا، +تداومی، -اتمام‌پذیری] است که بر اساس همین ویژگی‌ها انواع نمود موقعیتی از هم متمایز می‌شود. دسته‌بندی اسمیت (۱۹۹۷) برای زبان پشتو هم قابل تطبیق است.

نمود در زبان پشتو علاوه بر افعال ساده، در ساخت‌های فراواژگانی هم دریافت می‌شود. برای نمود تام و ناقص از وندها و فعل‌های کمکی و اصلی مشخص استفاده می‌شود و بر اساس آن استمرار و کامل بودن فعل مشخص می‌شود. در جملات زبان پشتو از انواع نمود دستوری بیشتر استفاده می‌شود، ولی مشخصاً نمی‌توانیم بگوییم که در این زبان میزان کاربرد کدام یک از نمودها (تام یا ناقص) بیشتر است. ولی می‌توان گفت همه نمودها کاربرد دارد.

## منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۰). «انواع نمود واژگانی در افعال فارسی». *مجله ادب فارسی*. دوره جدید، ش ۶، ۱۲۰-۱۰۱.
- پنزل، هربرت (۱۳۸۹). *دستور پشتو*. کندهار: انتشارات صدیقی.
- خویشکی، محمدصابر (۱۳۹۵). *دستور معاصر زبان پشتو*. کابل: انتشارات جهان دانش.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ توصیفی نحو*. تهران: نشر علمی.
- رشتین، صدیق‌الله (۱۳۷۲). «پشتو گرامر». پیشاور: انتشارات یونیورسیتی.
- رشتین زیور، زرغونه (۱۳۹۶). «پشتو نحوه». جلال‌آباد: انتشارات مومند.
- رضائی، والی (۱۳۹۱). «نمود استمراری در فارسی معاصر». *فنون ادبی*. س ۴. ش ۱ (پیاپی ۶)، ۲۵-۴۹.
- زیار، مجاور احمد (۱۳۸۴). *پشتو پشویه*. کابل: انتشارات دانش.
- سلیمانی و آرزو و فریده حق‌بین (۱۳۹۵). «زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه». *جستارهای زبانی*. دوره ۷، ش ۲ (پیاپی ۳۰)، ۲۶۲-۲۴۵.
- شینواری، دوست محمد (۱۳۹۳). *زبان‌ها و اقوام افغانستان*. جلال‌آباد: انتشارات گودر.
- شینواری، معروف‌شاه (۱۳۹۷). *تحول تاریخی زبان پشتو*. ننگرهار: انتشارات کلاسیک.
- ضیاء، تاج‌الدین و ملیحه عشقوی (۱۳۹۱). «آموزش نمود دستوری به فارسی‌آموزان غیرایرانی: بررسی مقایسه‌ای روش‌های تدریس ساختاری و ارتباطی». *پژوهش‌های زبانی و ادبیات تطبیقی*. دوره ص، ش ۱ (پیاپی ۹)، ۴۹-۲۵.



میرزائی، آزاده (۱۳۹۳). «فعل چندپاره زبان فارسی». علم زبان. س ۲، ش ۲، ۵۳-۷۰ ص.  
ویسی حصار، رحمان (۱۳۹۶). «نمود در کردی: از هستی‌شناسی تا دستور». جستارهای زبانی. دوره ۸،  
ش ۳ (پیاپی ۳۸)، ۱۵۸-۱۳۵.

Comrie, B. (1976). Aspect. Cambridge: Cambridge University Press [In Persian].  
Penzal, H. (2010). Pashto Grammar. Kandahar: Sediqi [In Persian].  
Smith, C. S. (1997). The Parameter of Aspect. Dordrecht: Kluwer.  
Tegey, H. (1996). Comprehensive Pashto Grammar, Washington DC: Center for  
Comparative Linguistics [In Persian].  
Windfuhr, G. (2009). The Iranian languages. London and New York: Routledge.

استناد به این مقاله: میاخیل، عصمت‌الله؛ دبیرمقدم، محمد. (۱۴۰۱). نمود در زبان پشتو. زبان و  
زبان‌شناسی ۱۸ (۳۶)، ۲۶۹-۲۹۳. doi: 10.30465/Isi.2023.45200.1677